

سطوح مشارکت - نردبان مشارکت در مدل اجتماع محور بازآفرینی محدوده‌ها و محلات هدف

تعاریف و تفسیرهای گوناگونی از مشارکت وجود دارد. در واقع صاحب‌نظران و اندیشمندان در حیطه‌های مطالعاتی و کاری مختلف، این مفهوم را به گونه‌ای متفاوت تعریف کرده‌اند. اما بنیادی‌ترین اندیشه که زیربنای مشارکت است، پذیرش این اصل است که مشارکت فرآیندی است که افراد در آن توانمند می‌شوند و منشأ تغییر اجتماع پیرامون خود می‌گردند و در جریان این تغییر، یک اجتماع توانمند شده و توسعه رخ می‌دهد. بنابراین زیربنای توسعه محله، مشارکت تمامی ذی‌نفعان اجتماع محلی آن است. هر یک از ذی‌نفعان، نقشی را در توسعه محله می‌تواند ایفاء کند که در چارچوب سطوح مشارکت قابل تبیین است:

- **مشارکت منفعل:** افراد در فرآیند شرکت می‌کنند اما فقط درباره تصمیمات مطلع می‌شوند و درباره آنچه رخ داده است، آگاه می‌شوند.
- **مشارکت از طریق مشورت دادن:** افراد با مشورت دادن یا پاسخ دادن به پرسش‌ها مشارکت می‌کنند. در این فرآیند هیچ گونه تصمیم‌گیری صورت نمی‌گیرد و در این صورت نظراتی که ارائه می‌شود هیچ گونه تعهد یا مسئولیتی برای آنها ایجاد نمی‌کند.
- **مشارکت خریداری شده:** افراد در مقابل پول یا امکانات دیگر یا برخی انگیزه‌های مادی مشارکت می‌کنند.
- **مشارکت وظیفه‌ای:** برخی سازمان‌ها به حکم وظیفه و مأموریت خود مشارکت می‌کنند.
- **مشارکت تعاملی:** افراد در فعالیتهای مختلف برنامه‌ریزی و اجرا، در نظر سنجی‌ها و تصمیم‌سازی‌ها مشارکت می‌کنند.
- **مشارکت خودجوشی:** افراد با ابتکار خود و مستقل از روش‌های مشارکت‌جویی فعالانه و به انگیزه بهبود وضعیت محله تلاش می‌کنند.

دانستن سطوح مشارکت در اقدامات اجتماع‌محور، از این‌رو مهم است که یک تسهیلگر یا تیم تسهیلگری باید بداند که هر کسی در اجتماع محلی برحسب شرایط و علاقه‌مندی خود، قادر به مشارکت است؛ اما ممکن است سطح و اندازه این مشارکت متفاوت باشد و نمی‌توان انتظار داشت که همه به یک اندازه و به یک شکل مشارکت کنند. دوباره تأکید می‌شود، درک این نکته ضروری است که جلب مشارکت خود یک فرآیند است. مدل نردبان مشارکت که توسط جامعه‌شناسی با نام ارنشتین مطرح شد با وجود آنکه مدت‌ها پیش ارایه شده است، همچنان از مشهورترین نظریه‌ها در

خصوصاً توضیح این فرآیند است. در این مدل مشارکت هم به عنوان یک مسیر و راه مطرح شده است و هم به عنوان امری سلسله مراتبی که بیان می‌کند مشارکت مرحله به مرحله پدید می‌آید. در این مدل افراد بر نردبان مشارکت از سطح عدم مشارکت به سمت مشارکت جزیی و در نهایت قدرگیر شدن در فعالیت‌ها حرکت می‌کنند. ارزشین معتقد است که تشکیل کمیته‌های فرمایشی به منظور گذاشتن مهر تأیید بر برنامه‌ریزی‌ای که از بالا به پایین صورت گرفته است عدم مشارکت است.

پله اول به سمت مشارکت، **مطلع سازی است**. نمی‌توان از مردم انتظار داشت که بدون هیچ اطلاعی، مشارکت گسترده‌ای در یک موضوع داشته باشند. آگاه کردن شهروندان نسبت به حقوق و وظایف خود و امکانات موجود می‌تواند اولین گام در رسیدن به مشارکت باشد. با این حال به کرات دیده شده که این مرحله در سطح آخر پروژه انجام می‌شود که اینکار به شهروندان فرصت تأثیرگذاری و ارایه نظر خود درباره پروژه را نمی‌دهد.

هنگامی که اطلاعات شهروندان نسبت به یک موضوع افزایش می‌یابد، در حقیقت احساس سازی صورت می‌گیرد. این حساسیت شهروندان نسبت به موضوع پیش نیاز گام نهادن آنها بر پله بعدی یعنی **حضور در فرایند است** که می‌تواند به شکل حضور در جلسات مشاوره باشد. این مرحله همانند مرحله مطلع سازی می‌تواند سهم مهمی به سوی حرکت در جهت جلب مشارکت شهروندان باشد، به شرطی که شهروندان بتوانند با آسودگی و آزادانه **نظرات خود را در جلسات ارائه دهند**.

برگزاری جلسات هم‌اندیشی با حضور مردم و نهادها باعث ایجاد حس آرامش خاطر در شهروندان می‌شود. باید توجه داشت که مردم زمانی حاضر به مشارکت هستند که مشارکت دستاوردی داشته باشد. اگر دیدگاه‌های شهروندان شنیده شود اما مورد توجه قرار نگیرد مردم از فرایند سلب اعتماد می‌کنند و مشارکت در همین سطح متوقف باقی خواهد ماند. آنچه که لازمه حرکت به سطح بعد است توانایی تسهیلگر در رسیدن به اجماع نظرات مردم و نهادها است تا پیشنهادهای و خواسته‌های مردم جنبه اجرایی پیدا کند. برگزاری جلسات بحث گروهی متمرکز در این سطح پیشنهاد می‌شود.

پله بعد **عضویت است**. این مرحله زمانی است که فرد احساس می‌کند که رابطه‌ای تأثیرگذار بین او و محله‌اش وجود دارد و قدرت تصمیم‌گیری بین شهروندان و نهادها به توازن برقرار شده است. این عضویت و شراکت زمانی بهتر عمل خواهد کرد که نهادها و اجتماعات محلی تشکیل شده باشد و نماینده جامعه محلی توانمند باشد. در پله بعدی، مشارکت به صورت **شرکت جستن در تصمیم‌گیری** یا طراحی یک برنامه یا حتی اجرای آن شکل گیرد.

در مرحله بعد، اجتماع محلی، **درگیر کار می‌شوند** و قدرت مدیریت تمام یا بخشی از کار به شهروندان داده می‌شود و در نهایت آخرین مرحله مشارکت، بخشیدن قدرت و اختیار به شهروندان است.

باید توجه داشت که سطوح مشارکت در واقعیت پیچیده‌تر از رفتن از سطحی به سطح دیگر است، ممکن است برخی سطوح باهم ادغام شوند و یا همپوشانی داشته باشند. بر همین اساس نظریه‌های دیگر مشارکت مانند مدل زنجیروار و حلقه‌ای حد و مرز دقیقی برای هر مرحله پیشنهاد نمی‌کنند.